

فدرالیسم و مثلث قدرت (شیعیان، کردها و سنی‌ها) در ساختار سیاسی عراق نوین

فیروز نجفی*

حسین مسعودنیا** سیدجواد امام‌جمعه‌زاده*** حمید نساج****

چکیده

به دنبال حمله امریکا به عراق در ۲۰ مارس ۲۰۰۳م. و فروپاشی رژیم بعثی، ساختار سیاسی عراق دچار تحول اساسی شد و ساختار سیاسی جدیدی از دل آن پدیدار شد که بازیگران اصلی آن را گروه‌های شیعی، کردها و سنی‌ها تشکیل می‌دهند. معیار این تقسیم‌بندی، وجود شکاف‌های اجتماعی است. نخستین شکاف، شکاف قومی است که عراق را به دو جامعه کرد و عرب تقسیم کرده و شکاف دوم، شکاف مذهبی است که موجب تشکیل دو جامعه شیعه و سنی شده است. با توجه به تعارضات و شکاف‌های قومی - مذهبی موجود در جامعه عراق به اعتقاد پاره‌ای از متفکرین سیاسی و اجتماعی راه‌حل این مشکلات ساختار سیاسی فدرالیسم می‌باشد هر چند در مقابل عده‌ای دیگر با این پیشنهاد مخالف بوده‌اند ولی در نهایت این پیشنهاد در قانون اساسی عراق گنجانده شد. هدف اساسی پژوهش حاضر واکاوی مثلث قدرت در عراق نوین بر اساس سیستم فدرالیسم می‌باشد. لذا با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده به عمل آمد و برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای بهره گرفته شد.

کلیدواژه‌ها: فدرالیسم، سنی‌ها، کردها، شیعیان، عراق نوین

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان ۰۹۱۳۱۳۱۰۰۳۱ phirouz.najaphi@gmail.com

**دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) h.masoudnia@ase.ui.ac.ir

***دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان javad@ase.ui.ac.ir

****استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان h.nassaj@ase.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۸

۱. مقدمه

تاریخ سیاسی عراق تا قبل از فروپاشی رژیم بعثی را می‌توان به پنج دوره تقسیم کرد: دوران باستان (پیش از اسلام)، دوران امپراتوری عثمانی (دوران پس از اسلام)، دوران قیمومیت انگلستان، دوران پادشاهی (خاندان هاشمی) و دوران نظام جمهوری. بر اساس شواهد تاریخی تمدن سومر در ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد و امپراتوری‌های بابل و آشور در ۱۳۵۰ سال قبل از میلاد در این سرزمین بوجود آمده‌اند تا اینکه حمله مشترک آموری‌ها و سامی‌ها از غرب و قفقازها و عیلامی‌ها از شرق، سلسله سومری‌ها را برای همیشه از بین برد. در طول زمان، مهاجرت آکاده‌های آواره سامی به منطقه، نقطه عطفی در تاریخ عراق به وجود آورد. بابل مرکز حکومت جدید برای حدود دو هزار سال دوام داشت. تا اینکه نخستین بار به دست کوروش امپراتور ایرانی سقوط کرد. از آن پس به مدت هزار سال محل حضور تمدن ایران بود. در سال ۱۵۳۴ میلادی بغداد به تصرف ترکان عثمانی درآمد و بدین ترتیب سرزمین بین‌النهرین یا عراق کنونی تا اوایل قرن بیستم جزو قلمرو امپراتوری عثمانی بود. پس از شکست عثمانی در جنگ جهانی اول و تجزیه آن، عراق که بخشی از خاک عثمانی محسوب می‌شد توسط انگلستان اشغال گردید و به موجب مصوبه جامعه ملل، تحت قیمومیت این کشور قرار گرفت. در سال ۱۹۳۲ م. قیمومیت انگلستان بر عراق پایان یافت و این کشور رسماً به استقلال رسید. تا سال ۱۹۵۸ خاندان هاشمی بر عراق حاکم بودند سرانجام در همان سال رژیم پادشاهی عراق به دنبال کودتای عبدالکریم قاسم سرنگون و رژیم جمهوری اعلام شد. در ۸ فوریه ۱۹۶۳ سرهنگ عبدالسلام عارف با کودتا علیه عبدالکریم قاسم و قتل او، قدرت را در دست گرفت و اعضای حزب بعث را وارد کابینه خود کرد. عارف در سال ۱۹۶۶ در حادثه مشکوک هوایی کشته شد و برادرش عبدالرحمن عارف به قدرت رسید. بر این اساس، حزب بعث با کودتا علیه قاسم زمام امور این کشور را به دست گرفت. بعد از عارف، حسن البکر قدرت را به دست گرفت اما بعد از مدتی بر اثر فشارهای سیاسی صدام حسین مجبور به استعفا شد و آخرین نفر از حزب بعث یعنی صدام حسین قدرت را به دست گرفت. به طور کلی حزب بعث و تشکیلات سیاسی آن بیش از سه دهه عراق را اداره کرد و نقش مهمی در موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور داشت. نظام سیاسی که طبق ایدئولوژی و موازین حزب بعث در عراق شکل گرفت، نظامی تک‌حزبی و توتالیتر بود که تمام قدرت را در یک نفر متمرکز می‌کرد.

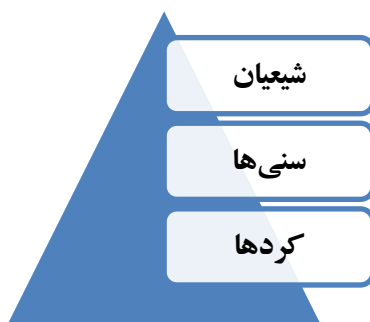
به لحاظ کارآمدی، همه حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی که در مقاطع مختلف در این کشور قدرت گرفتند یا حکومت‌هایی وابسته و تحمیلی بودند که به طور مستقیم و غیرمستقیم توسط قدرت‌های استکباری انتخاب می‌شدند یا با کودتا بر مردم عراق تسلط می‌یافتند اما ساختار سیاسی حاکم بر عراق در دوران پسا صدام دارای حکومت جمهوری پارلمانی دموکراتیک و فدرال است که بر اساس آن حکومت عراق از یک حکومت مرکزی و تعدادی حکومت اقلیم تشکیل شده است. تاکنون تنها اقلیم کردستان در عراق شکل گرفته است و بقیه مناطق زیر نظر حکومت مرکزی هستند. با توجه به چنین مقدمه‌ای سوال اصلی پژوهش حاضر این است که بازیگران اصلی در ساختار سیاسی عراق نوین کدامند؟ و چه مواضعی در مقابل فدرالیسم دارند؟

۲. فدرالیسم

کلمه فدرال برگرفته از واژه لاتینی foedus یا foedris به معنای اتحادیه، پیمان، مجمع یا اتفاق است. در صورتی که چند کشور مستقل و حاکم تصمیم‌گیرنده که بنا بر ملاحظاتی سرنوشت خود را در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی به هم پیوند بزنند و با کمک و معاضدت یکدیگر قدرت بزرگ‌تر و فراگیرتری را به وجود آورند، گام اساسی به سوی کشور فدرال برداشته شده است (قاضی، ۱۳۸۹: ۹۰). عده‌ای از صاحب‌نظران آن را «جمهوری جمهوری‌ها» (Forsyth, 1994: 15). عده‌ای آن را «حکومت بر خود به علاوه حکومت مشترک» (Elazar, 1987: 12) و عده‌ای آن را به مثابه «شکلی از حکومت که وحدت را در عین تنوع حفظ می‌کند» می‌نامند (Kincaid, 2002: 223). گراهام اسمیت معتقد است که فدارالیسم به عنوان شکلی از پلورالیسم جغرافیایی در حال جلب توجه کشورهای است که درصدد حفظ وحدت دولت در جوامع چند قومی هستند (Smith, 1995: 16). مورای فورسیت معتقد است، مردمی که از لحاظ زبان، نژاد و فرهنگ مختلف هستند، می‌توانند مزایای عضویت مشترک در یک فدراسیون را احساس کنند (Forsyth, 1994: 15).

در ساده‌ترین تعریف می‌توان گفت فدرالیسم نظامی است که در آن قدرت بین واحدهای ملی و محلی حکومت تقسیم می‌شود و واحدهای محلی می‌توانند تحت حوزه اختیارات حقوقی و قانونی مستقل عمل کنند. در مقابل در حکومت‌های متمرکز، قدرت در مرکز انباشته می‌شود و عمدتاً در قالب نهاد قانون‌گذاری ملی یا پارلمانی است، اما در عرصه عمل ممکن است مرکز بعضی اختیارات قانونی و حکومتی را به

مقامات محلی واگذار کند (اسدی، ۱۳۸۹: ۱۸۵). در یک برداشت تطبیقی می‌توان فدرالیسم را در مفهوم کلی آن روش حکومتی دانست که براساس توزیع اجرای سرزمینی قدرت سیاسی در یک جامعه استوار است. با توجه به این که عراق، کشوری چند قومی و چند مذهبی است و به جهت تقسیم عادلانه قدرت که در گذشته تاریخی خود از آن بی بهره بوده است، فدرالیسم را به عنوان شکل حکومتی خود انتخاب کرده است. بر این اساس، می‌توان بازیگران مهم یا جریان‌های تأثیرگذار در ساختار سیاسی عراق نوین را به سه دسته اصلی شیعیان، کردها و اعراب سنی تقسیم کرد. معیار این تقسیم‌بندی، وجود شکاف‌های اجتماعی است. نخستین شکاف، شکاف نژادی یا قومی است که عراق را به دو جامعه کُرد و عرب تقسیم کرده و شکاف دوم، شکاف مذهبی است که موجب تشکیل دو جامعه شیعه و سنی شده است.



شکل شماره ۱: مثلث قدرت در ساختار سیاسی عراق نوین

۳. شیعیان عراق

بر اساس اعلام وزارت برنامه‌ریزی عراق در سال ۲۰۱۵، جمعیت این کشور بالغ بر ۳۴ میلیون نفر بود. شیعیان بزرگترین گروه جمعیتی عراق را تشکیل می‌دهند. بر اساس منابع مختلف حدود ۶۰ الی ۶۵ درصد مردم عراق شیعه، ۳۲ الی ۳۷ درصد عرب سنی و ۳ درصد مسیحی و پیروان دیگر ادیان هستند (باقری، ۱۳۹۲، قاسمی، ۱۳۸۹، رضایی، ۱۳۸۴، تالشان، ۱۳۸۹). با وجود اکثریت بودن شیعیان در عراق، از لحاظ سیاسی شیعه همواره در این کشور در اقلیت بوده است (توال، ۱۳۸۴: ۸۱) و تحت سلطه قدرت‌های سیاسی و سنی‌های حاکم بر بغداد می‌زیسته‌اند (رشید، ۱۳۸۶: ۸۶). ولی پس از جنگ آمریکا علیه عراق و اشغال این کشور در سال ۲۰۰۳، به حصر سیاسی و اجتماعی شیعیان پایان داده شد، به طوری که امروزه آینده عراق با مسئله شیعه گره خورده است

(باقری، ۱۳۹۲: ۱۳۹). با بررسی نقش و جایگاه جریان‌های عمده شیعی در عراق، مشاهده می‌شود که امروزه اندیشه سیاسی شیعی پس از مسلط شدن بر رأس قدرت عراق، علی‌رغم همه مخالفت‌ها و کارشکنی‌های کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، سهم عمده‌ای در ساختار سیاسی عراق نوین بر عهده داشته است. در زیر به بررسی جریان‌های عمده شیعی در عراق پس از سقوط رژیم بعثی به طور خلاصه پرداخته می‌شود:

۳-۱. حزب الدعوه الاسلامیه

با تهاجم آمریکا و سقوط رژیم استبدادی صدام حسین در ۹ آوریل ۲۰۰۳، فرصتی در اختیار «حزب الدعوه» قرار گرفت تا دیدگاه خود مبنی بر تشکیل حکومت اسلامی را به اجرا گذارد. بنابراین، رهبران و بسیاری از اعضای این حزب به کشور خود بازگشتند و به ایفای نقشی پیشرو در برآوردن «ولایت امت» برای عراق و نیز تلاش برای آشتی دادن عراقی‌ها به زندگی به‌رغم فجایع متحمل شده از طریق صدام حسین اقدام کردند. در آن تاریخ، ابراهیم جعفری به عنوان دبیر کل «حزب الدعوه» به نمایندگی از ستاد عالی رهبری حزب دخالت اشغال‌گران آمریکایی در شرایط آن روز عراق را پذیرفت، ولی بر ضرورت رهایی از تسلط آن‌ها نیز تأکید کرد (لطیف، ۱۳۹۰: ۲۶۷) پس از تشکیل شورای حکومتی در ماه ژوئیه سال ۲۰۰۳ رهبر برجسته و دبیر کل حزب، یعنی دکتر ابراهیم جعفری برای اولین بار رئیس شورای حکومتی شد. در ۲۸ آوریل ۲۰۰۵ عراقی‌ها به ابراهیم جعفری نخست وزیر دموکراتیک انتخاب شده دولت موقت عراق رأی دادند. پس از وی، در ۲۰ مه ۲۰۰۶ نوری مالکی، یکی دیگر از رهبران ارشد حزب، به انتخاب مجلس عراق، به عنوان نخست وزیر به مدت ۲ دوره ۴ ساله از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ م انتخاب شد (طاهری کل‌کشوندی و تقی‌زاده داوری، ۱۳۹۳: ۱۳۱). هم‌چنین پس از نخست وزیر نوری مالکی، پس از مدت‌ها کشمکش بر سر معرفی نخست وزیر، در نهایت، حیدر العبادی، که ریاست دفتر سیاسی و عضویت در شورای رهبری «حزب الدعوه» را در کارنامه خود داشت، در اوت ۲۰۱۴، به عنوان سومین نخست وزیر شیعی عراق، مأمور تشکیل دولت جدید شد.

۳-۲. مجلس اعلای اسلامی عراق

مجلس اعلای اسلامی عراق یکی از گروه‌های تأثیرگذار در ساختار سیاسی عراق است که با وجود از دست دادن دو رهبر اصلی خود، یعنی شهید سیدمحمدباقر حکیم و

مرحوم عبدالعزیز حکیم، به رهبری فرزند جوان سیدعبدالعزیز یعنی سیدعمار حکیم، به کار خود ادامه می‌دهد. این تشکل در انتخابات ۲۰۱۰م رهبر ائتلاف ملی شناخته شد، اما سرانجام با وجود اینکه در ائتلاف خود بیش از جریان صدر رأی آورد فقط ۲۰ کرسی مجلس را از آن خود کرد. در انتخابات ۲۰۱۴ نیز ائتلاف شهروند (المواطن) به ریاست عمار حکیم بود. حزب الدعوه و مجلس اعلاى عراق جزء گروه‌های اسلام‌گرای اهل تشیع در عراق هستند که می‌کوشند از طریق راهکارهای مسالمت‌آمیز و مذاکره و با استفاده از ظرفیت‌های مدنی، اهداف خود را پیش برند (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۱۹). هدف از تأسیس مجلس اعلا در اوایل دهه ۱۹۸۰ در واقع تمرکز دادن به نیروهای جهادی عراق به همکاری اعضای حزب الدعوه علیه رژیم بعث بوده است. اما بعد از مدتی، اختلافات آن با اعضای حزب الدعوه افزایش یافت و تعدادی از گروه‌های وابسته به آن، مجلس اعلا را ترک کردند. در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی، مجلس بیشتر به طرفداران آیت الله «سیدمحمد باقر حکیم» اختصاص یافت. پس از حمله آمریکا به عراق و سقوط رژیم بعث، الدعوه بار دیگر به مجلس اعلا پیوست و اکنون این دو تشکل مهم در کنار یکدیگر، برای آینده عراق به همکاری می‌پردازند و به عنوان دو حزب منظم و با قدرت در ساختار سیاسی عراق حضور دارند (تقی زاده، ۱۳۸۸: ۴۲).

۳-۳. جریان صدر

منظور از «جریان صدر»، همان جریان «مقتدا صدر» است. پس از ترور سید محمدباقر صدر در سال ۱۹۸۰ در عراق، جریانی منسوب به صدر به رهبری «سیدمحمدصادق صدر» روی کار آمد. این حرکت با تکیه بر میراث جهادی و حمایت گسترده مردم آغاز شد (لطیف، ۱۳۹۰: ۱۴۱). «سید مقتدا صدر» فرزند «سیدمحمدصادق صدر» است که در سال ۱۹۹۹ به دست عوامل صدام ترور شد. علی‌رغم اینکه بسیاری از تحلیل‌گران غربی مقتدا صدر را فاقد مشخصات لازم برای رهبری شیعیان می‌دانند، ولی در شرایط فعلی از پشتیبانی قشر وسیعی از مردم عراق برخوردار است. طرفداران وی اغلب جوانان تنگدستی هستند که فقر و بدبختی خویش را به اشغال‌گران، به ویژه آمریکا نسبت می‌دادند. مقتدا صدر شرط کنار گذاشتن مشی مبارزه علیه اشغال‌گران را بیرون رفتن آنها از عراق می‌دانست. او نفوذ زیادی در میان عشایر دارد. مقتدا از میان جوانان، سپاهی تحت عنوان «جیش‌المهدی» راه‌اندازی کرده است. او مسائل عراق و فلسطین را مرتبط و مشترک اعلام می‌کند و از این طریق، خود را در صحنه کشورهای عربی قرار می‌دهد.

صدر اعلام کرده است «ما به فلسطینیان و سایر ملت‌های ستمدیده در خاور نزدیک اطمینان می‌دهیم که نبرد خواهیم کرد و بر ستم‌گران پیروز خواهیم شد. هم‌چنین، او خود را حامی حماس و حزب‌الله معرفی کرده است. مقتدا صدر با این ویژگی‌های خود، حمایت قشر عظیمی از ناراضیان سنی، به ویژه در فلوجه، را نیز به خود جلب کرده است (آدمی و ابراهیم پور، ۱۳۹۳: ۱۲۷).

۳-۴. حزب فضیلت اسلامی

«حزب فضیلت اسلامی» در ماه می ۲۰۰۳ تأسیس شد و مقر اصلی آن در بغداد است، ولی شهر بصره از مهم‌ترین جایگاه‌ها برای این حزب محسوب می‌شود؛ زیرا تعداد زیادی از پیروان آیت‌الله محمد یعقوبی آنجا هستند (لطیف، ۱۳۹۰: ۲۸۹). آیت‌الله محمد یعقوبی مرجع برجسته شیعی، از جمله صدریان میان‌روی است که به تفکر دو شهید سیدمحمدباقر و سیدمحمدصادق صدر پایبند است. وی رهبر معنوی «حزب فضیلت» است. اعضای این حزب گرچه از پیروان ایدئولوژی آیت‌الله سیدمحمدصادق صدر محسوب می‌شدند، اما از الزام عاطفی، که یاران مقتدا صدر انتخاب کرده بودند، خیلی دور بودند و مقتدا صدر را به عنوان رهبر جریان قبول ندارند و به ویژه پس از تندروری‌های صدر از این گروه جدا شدند (اسدی، ۱۳۸۶: ۳۹) وی طرح‌های عملی را برای تأثیر در زندگی سیاسی و اجتماعی اتخاذ کرده (لطیف، ۱۳۹۰: ۶۲) و فعالیت شهید سیدمحمدصادق صدر را ادامه داد و با ایجاد «دانشگاه علوم دینی صدر» (با ۱۳ رشته) در بغداد و استان‌های منطقه جنوبی، حمایت‌های لازم را برای ادامه کار به دست می‌آورد. با جذب گروهی از اندیشمندان، مسئولیت اداره فعالیت‌های اجتماعی و دینی حوزوی با مدیریت و نظارت شیخ محمد یعقوبی بر فعالیت‌های اداری، تعلیم و پرورش افراد در حزب ادامه دارد. پس از سقوط دیکتاتوری در ۲۰۰۳/۴/۹ توسط ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده، که از زمان اشغال عراق توسط نیروی ائتلاف نمی‌گذشت، حزب «فضیلت» مؤسسه و پایوران خود را برای فعالیت به داخل عراق گسیل داشت (طاهری کل کشوندی و تقی زاده داوری، ۱۳۹۳: ۱۳۳).

۳-۵. آیت‌الله سیدعلی سیستانی

پس از درگذشت آیت‌الله خوئی، آیت‌الله سیستانی مرجعیت شیعیان عراق را بر عهده گرفت. ایشان در حال حاضر چهره با نفوذ حوزه‌های علمی شیعه در این کشور

محسوب می‌شود، در واقع آیت‌الله سیستانی در حال حاضر، رهبری دینی شیعیان را به عهده دارد و مرجع تقلید شیعیان در عراق به شمار می‌رود. وی علاوه بر عراق، در پاکستان، افغانستان، عربستان، کشورهای خلیج فارس، شیعیان اروپا، آمریکا و ایران نیز مقلدانی دارد. آیت‌الله سیستانی در ۱۵ آذر ۱۳۸۲ آمریکا را مجبور کرد تا نسبت به اصلاح طرح انتقال قدرت به مردم عراق اقدام کند. وی همچنین در دیدار با جلال طالبانی رئیس جمهوری عراق، عنوان کرد: ما با ایاد یک نظام دموکراتیک و مردم سالار در عراق مخالفتی نداریم بلکه بر ضرورت ایجاد چنین نظامی تأکید هم می‌کنیم. آیت‌الله سیستانی یکی از مهم‌ترین طیف‌های فکری را در حوزه نجف تحت کنترل و هدایت دارد، رویکرد اصلی حوزه نجف به مرجعیت آیت‌الله سید علی سیستانی، تقیه بوده است چرا که در دوران صدام، سکوت موثرترین شیوه زنده ماندن و حفظ ذخایر انسانی حوزه بود. در این سنت، به دلیل تجربه تاریخی و بافت جامعه عراق مرجعیت نجف مخالف دخالت مستقیم حوزه در امور سیاسی بوده است و تلاش نموده تا این دو با یکدیگر در هم آمیخته نشود از همین رو حوزه تنها در موارد ویژه بحرانی، به اعلام موضع صریح و قاطع متوسل شده است. رعایت این اصل از سوی آیت‌الله سیستانی باعث شد از رویارویی مستقیم با صدام در امان بماند. « با وجود این که ایشان رهبری گروهی سیاسی را بر عهده ندارند، بسیاری از علما و شیعیان عراق به ویژه میانه‌روها، به مشروعیت وی باور داشته و برای وی جایگاه منحصر به فردی در تحولات عراق نوین قائل هستند (بخشی، ۱۳۹۰).

۴. کردها

کردستان عراق بیش از ۸۳ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد. اما اقلیم کردستان عراق به پایتختی هولیر «اربیل»، ۴۰۶۴۳ کیلومتر مربع وسعت و جمعیتی بیش از ۶ میلیون نفر دارد. در عراق کردها در شمال و شمال شرق کشور زندگی می‌کنند (نیکتین، ۱۳۶۶: ۵-۴). مهمترین شهر کردستان عراق کرکوک است که در مرکز حوزه‌های نفتی قرار دارد. دولت عراق برای کاستن از جمعیت کردهای این شهر سعی بر آن داشته که جمعیت عرب را در این منطقه افزایش دهد. این سیاست تا قبل از اشغال عراق توسط آمریکا تا سال ۲۰۰۳ دنبال می‌شد. در واقع سیاست عربی کردن منطقه از آن جهت بود که این کشور بتواند در آینده سعی در اهالی عرب بودن این منطقه بنماید زیرا دولت عراق نیز خود اعتقاد نداشت که بتواند در طولانی مدت بر کردستان عراق حکومت کند (کندال،

۱۳۷۲: ۷۹). امری که امروزه تا حدودی رنگ و بوی واقعیت به خود گرفته است. کردستان عراق در اصل غنی‌ترین و حاصل‌خیزترین بخش از سرزمین عراق است که از لحاظ کشاورزی به مراتب بهتر از سایر دشت‌های سرزمین عراق می‌باشد هم‌چنین وجود کوهستان‌های سرسبز این منطقه شرایط خوبی را برای دامپروری و باغداری فراهم نموده است. منابع طبیعی کردستان عراق عبارتند از نفت، سنگ آهن و کروم، مس، آلومینیم، بوکسیت، طلا، گوگرد، فولاد، سیمان و گچ (جوانمردی، ۱۳۹۲: ۶۳).

گُردها در هنگام تولد کشور عراق، با استناد به اصول دوازده‌گانه ویلسون و عهدنامه سور، خواستار استقلال بودند و به مرور با اعلام استقلال عراق (۱۹۳۲)، گُردها خواستار خودمختاری فرهنگی - سیاسی در چارچوب عراق و هم‌چنین مشارکت داده شدن مناسب در پُست‌های حکومت مرکزی بودند (آلیس، ۱۳۸۶: ۲۱۳). بر همین اساس منازعات خشونت‌آمیز بین گُردها و اعراب یکی از ویژگی‌های نظام سیاسی عراق از ابتدای استقلال آن کشور به شمار رفته به نحوی که طی نزدیک به یک قرن گذشته یا پیوسته در حال جنگ و یا مشغول مذاکره برای خودمختاری با دولت مرکزی بوده‌اند. لذا بر آمدن کردستان کنونی نتیجه وجود جنبش‌های دیرپا و نیرومند ناحیه‌گرای گُردی و راهبرد ژئوپولیتیک آمریکا در منطقه است (کاویانی، ۱۳۸۷: ۱۹).

با اشتباه صدام در تهاجم به کویت که موجب اقدامات بین‌المللی علیه رژیم وی شد، گُردها توانستند تحت حمایت قطعنامه‌های شورای امنیت به ویژه قطعنامه ۶۸۸، که مربوط به ممنوعیت ورود نیروهای نظامی عراق به مناطق شمالی و جنوبی این کشور می‌شد، قدرت خود را بازیابند. صرف‌نظر از اهداف پنهانی آمریکا و رژیم صهیونیستی در همکاری و حضور در کردستان عراق، این منطقه با کمک‌های آمریکا پس از یک دوره اختلاف، سیاست خودمختاری را دنبال کرده است. پس از سقوط رژیم صدام، گُردها با همکاری آمریکا به صورت فعال در روند دولت‌سازی شرکت کردند و موفق شدند خودمختاری مناطق گُردنشین شمال عراق را در چارچوب قانون اساسی جدید این کشور به تصویب برسانند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۳۱).

اکنون کردستان عراق دارای خودمختاری است و اولین رئیس جمهور عراق جلال طالبانی، از میان گُردها انتخاب شده است. بدون تردید تحولات اخیر بر عامل ژئوپلیتیکی گُردها تأثیرگذار بوده و علاوه بر دستیابی گُردها به خودمختاری به نحو چشم‌گیری موجب مشارکت مؤثر آنان در قدرت سیاسی در عراق شده است. امروزه گُردها که همواره از عوامل مهم ژئوپلیتیکی در عراق بوده‌اند و به عنوان نیروی چالش‌گر

قدرت مرکزی در عراق تأثیر داشته‌اند، خود به عنوان بخشی از حاکمیت عراق محسوب می‌شوند و در طراحی و اجرای سیاست‌های این کشور دخالت مستقیم و مؤثر دارند. اعطای خودمختاری به کردها در قانون اساسی جدید عراق، نقش ژئوپلیتیک آنان را در صحنه عراق فزونی بخشیده است. حضور مستقیم آمریکا در کردستان عراق و حمایت از آن‌ها طی دوازده سال پس از جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ تا سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ بسترهای لازم را برای کردها به منظور بازیابی قدرت فراهم آورد. البته آمریکا از حضور و حمایت از کردها اهداف متعددی داشته که در چارچوب منافع و اهداف ملی کشورهای همسایه عراق و خاورمیانه نبوده است؛ اما این حمایت‌ها یکی از عوامل اصلی ارتقای اهمیت ژئوپلیتیکی کردستان محسوب می‌شود (باقری، ۱۳۹۲: ۱۵۴).

پس از سقوط صدام و تشکیل «شورای حکومتی» و تشکیل مجلس و دولت عراق، کردها نقش بارزی یافتند؛ به طوری که بارزانی و طالبانی به نمایندگی از کردها در دو دوره یک ماهه ریاست موقت این شورا را بر عهده گرفتند. از همان ابتدای تشکیل دولت موقت، کردها با انتصاب هوشیار زیباری، وزارت خارجه را در اختیار گرفتند و در دولت‌های موقت و انتقالی سه‌گانه (شورای حکومتی، دولت موقت ایاد علاوی و دولت موقت جعفری) و نیز در دولت سابق، این وزارت‌خانه حساس را کنترل کرده بودند به گونه‌ای که علاوه بر ریاست جمهوری عراق و وزارت خارجه، چندین پست وزارتی را در دولت عراق به عهده گرفتند (رشید، ۱۳۸۶: ۸۷). هم‌چنین احزاب متعددی در شمال عراق فعالیت دارند که مهم‌ترین آن‌ها حزب دموکرات کردستان عراق، حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق و حزب سوسیالیست کردستان عراق هستند.

مهم‌ترین خواسته کردها در وضع کنونی، تثبیت فدرالیسم کردی و الحاق کرکوک و سایر مناطق کردنشین خارج از اقلیم کردستان به منطقه تحت حاکمیت این اقلیم است. بنای این خواسته، نقشه منتشرشده در ژوئیه ۲۰۰۵ است. این نقشه، علاوه بر دربرگیری سه استان دهوک، اربیل و سلیمانیه که از سال ۱۹۹۲ در کنترل کردها بوده‌اند، مناطق جدیدی از استان تمیم به مرکزیت کرکوک، مناطق کردنشین استان دیالی به مرکزیت خانقین، مناطق مندلی، جسان، بدره و زرباطیه در منطقه بین بغداد و مرز مهران ایران و نیز مناطقی در حاشیه موصل را به کردستان اضافه کرده است. بنای تحلیلی این خواسته از نظر کردها این است که اعراب و کردها دو ملت جداگانه هستند و در ابتدا باید وجود این دو ملت متفاوت در عراق به رسمیت شناخته شود. در مقابل، اعراب و ترک‌ها مخالف

الحاق کرکوک به اقلیم کردستان هستند و آن را مبنایی برای تشکیل کشور مستقل کردی می‌دانند (پورسعید، ۱۳۸۹: ۱۹۶).

به هر حال، سابقه طولانی درگیری کردهای عراق با دولت مرکزی باعث شده است همسایگان یا قدرت‌های بزرگ تقریباً همگی از آنها برای مقاصد خویش استفاده کنند. با توجه به امکانات گروه‌های کُرد و فضای حاکم بر عراق، می‌توان ادعا کرد کُردها در قویترین وضع خویش در این کشور به سر می‌برند و به تحقق آمال و اهداف خویش بیش از هر زمان دیگری نزدیک‌ترند.

۵. جریان سنی

اعراب سنی به رغم در اقلیت بودن به واسطه پیوستگی با جمعیت اعراب سنی غالب در خاورمیانه و نیز نقش برجسته در تاریخ کشورشان، همواره موضع برتری داشته‌اند. حزب بعث با توجه به داشتن پایگاه قوی در بین قبایل سنی نسبت به صلاحیت‌های ملی‌گرایانه و عربی خود اغراق ورزیده و با تلاش فراوان، خط مشی انتقال هر چه بیشتر سنی‌ها به داخل عراق را دنبال می‌کردند. بنابراین، تشویق برای اتحاد با اعراب دیگر، یعنی از کویت تا سوریه، در واقع تلاشی در جهت حفظ قدرت جمعیتی اعراب سنی در عراق بود (دهقانی پوده، ۱۳۹۲: ۱۴). آنها برخلاف شیعیان و کردها، از زمان تأسیس سلسله بنی‌عباس حاکم عراق بوده‌اند. حدود پنج قرن حاکمیت عثمانی‌ها باعث سلطه سیاسی ترک‌ها و در کنار آنها اعراب سنی بر عراق شد (مار، ۱۳۸۰: ۲۸).

تداوم حکومت اعراب سنی در عراق تا سال ۱۹۵۸ از طریق نظام پادشاهی و پس از آن از طریق کودتاها متعدد بود که آخرین آنها را بعثی‌ها در سال ۱۹۶۸ طراحی و اجرا کردند. استیلا سیاسی آنها باعث بهره‌مندی آنها از بسیاری از منافع جامعه، تسهیلات اجتماعی بیشتر و متعاقب آن از سطح آموزش و رفاه بهتری نسبت به سایر گروه‌های جمعیتی عراق برخوردار بودند و نظر به اینکه سنی‌ها در جهان عرب اکثریت را تشکیل می‌دهند، عرب‌های سنی عراق نیز تمایل بیشتری به فلسفه مادی ملی‌گرایی عربی داشته‌اند و همواره از حمایت پنهانی و آشکار دولت‌های عربی نیز برخوردار هستند (مار، ۱۳۸۰: ۲۹-۲۸).

حمله آمریکا به عراق نه تنها باعث فروپاشی رژیم صدام، بلکه موجب اضمحلال دولت سنی محور در عراق شد. درست به همین دلیل نه تنها اعراب سنی طرفدار صدام بلکه برخی اعراب سنی مخالف صدام نیز با عملکرد آمریکا در عراق مخالف بودند. گروه‌های

سنی در عراق پس از صدام، رویکرد متغیری در خصوص مسائل داخلی عراق و بازیگران خارجی داشته‌اند. اعراب اهل سنت عراق، کشورهای عربی را حامی طبیعی و دائم خود تلقی می‌کنند و حتی بخش عمده‌ای از رفتارها و نقش‌آفرینی‌های گروه‌های سنی بر اساس دیدگاه‌ها و خط‌مشی‌های دولت‌های عربی است (باقری، ۱۳۹۲: ۱۴۹).

امروزه شبه نظامیان سنی که برآیندی از افراطیون سلفی، تکفیری و نیز بعثی‌های زخم خورده هستند، دست به حملات می‌زنند. آن‌ها از حمایت معنوی و گاه مادی برخی رژیم‌های عرب برخوردارند و با بهره‌گیری از سازماندهی و تکنیک‌های پیشرفته، عراق را به معرکه‌ای خونین تبدیل کرده‌اند (ویستا، ۱۳۹۵). این گروه‌ها نه تنها نیروهای ائتلاف را هدف قرار می‌دهند، بلکه مردم غیرنظامی و به ویژه شیعیان و حتی تاسیسات و زیرساخت‌های عراق از حملات تروریستی آن‌ها در امان نمانده است، هدف این گروه‌ها، انتقام‌جویی و بازداشتن عراق از پیشرفت روند جاری و بازگشت حاکمیت اقلیت همانند دهه‌های پیشین است و برای این منظور، شبه نظامیان سنی در عراق در قالب گروه‌ها و سازمان‌های مختلف شکل گرفته‌اند.

۶. سهم بازیگران سیاسی (مثلث قدرت) در ساختار سیاسی عراق نوین

اولین گام در مرحله جدید فعالیت‌های سیاسی در عراق نوین هنگام تشکیل شورای حکومت انتقالی عراق بود که از مجموع ۲۵ نفر وزیر ۱۳ نفر از شیعیان، ۵ نفر از کردها و ۵ نفر نیز از سنی‌ها در آن مشارکت داشتند یعنی رقمی در حدود ۵۲ درصد از تعداد کل اعضای کابینه به شیعیان تعلق گرفت. بعد از آن در اولین دوره انتخابات پارلمانی بود که در دسامبر ۲۰۰۵ برگزار شد شیعیان با ائتلاف عراق یکپارچه که با تأکیدهای آیت‌الله سیستانی تشکیل شد ۶۵ درصد آراء را کسب کرد این ائتلاف که شامل چهار حزب اصلی الدعوه، مجلس اعلائی انقلاب اسلامی، جریان صدر و حزب فضیلت اسلامی و برخی احزاب و شخصیت‌های دیگر بود توانست ۱۲۸ کرسی از مجموع ۲۷۵ کرسی مجلس نمایندگان را به خود اختصاص دهد (باقری، ۱۳۹۲: ۱۴۲). در این انتخابات دو حزب اصلی کُردی یعنی اتحادیه میهنی و حزب دموکرات نیز توانستند در قالب ائتلاف کردستان، ۵۳ کرسی کسب کنند و اتحاد اسلامی کردستان نیز ۵ کرسی را از آن خود کرد. همچنین در این انتخابات جبهه توافق عراق (شامل گروه‌های سنی حزب اسلامی عراق، تجمع مردم عراق، شورای گفتگوی ملی عراق) توانستند ۵۵ کرسی را از آن خود کنند. بعد از انتخابات دسامبر ۲۰۰۵، روند تشکیل دولت بسیار پیچیده بود و با

وجود ائتلاف بین گروه‌های شیعی و کرد عراقی، توافق بر سر پست‌های ریاست جمهوری عراق، نخست‌وزیری و اعضای کابینه چندین ماه به طول انجامید و سرانجام جلال طالبانی سنی مذهب به عنوان رئیس جمهور و نوری مالکی شیعه مذهب به عنوان نخست‌وزیر عراق انتخاب شدند. بدین ترتیب پارلمان عراق با ترکیب خود که غالباً در دست شیعیان بود مدت ۵ ساله خود را تا سال ۲۰۱۰ به پایان رساند و طی این دوره مأموریت‌های مختلفی از جمله تعیین رئیس جمهور، تعیین رئیس پارلمان و بازسازی بسیاری از نهادهای دولتی این کشور را بر عهده داشت. مشارکت تدریجی و فزاینده سنی‌های عراق در روند سیاسی جدید با حمایت حزب اسلامی از قانون اساسی جدید و سپس مشارکت بخش وسیع‌تری از گروه‌ها در انتخابات پارلمانی آغاز شد و به تدریج حمایت سنی‌ها از گروه‌های ستیزه‌جوی مخالف کاهش یافت. گروه‌های سنی در دوره دولت اول مالکی، ریاست پارلمان و معاونت رئیس جمهوری و نخست‌وزیری را در اختیار داشتند و وزارت خانه‌هایی مانند دفاع را نیز در کنترل خود گرفتند. هر چند سال ۲۰۰۶، تنش‌های فرقه‌ای سنی شیعی در عراق اوج گرفت، اما در سال ۲۰۰۷، همگرایی و همکاری سنی‌ها با دولت عراق افزایش پیدا کرد که نمونه آن همکاری عشایر سنی در قالب «نیروهای بیداری» در مقابل القاعده در نواحی سنی‌نشین بوده است. سنی‌های عراق هم‌چنین در انتخابات شوراهای استانی عراق در سال ۲۰۰۹ حضور گسترده‌ای داشتند و از تحریم خودداری کردند. در این انتخابات میان گروه‌های سنی، جبهه توافق ۲۷ کرسی و جبهه گفت و گوی ملی صالح مطلق ۱۹ کرسی را از مجموع ۴۴۰ کرسی شوراهای استانی از آن خود کردند (باقری، ۱۳۹۲: ۱۵۱).

در مارس ۲۰۱۰ دومین انتخابات عراق پس از سقوط صدام برگزار شد و ۱۲ ائتلاف و نهاد سیاسی برای به دست آوردن ۳۲۵ کرسی پارلمان به رقابت پرداختند. مشارکت اعراب سنی در عرصه سیاسی و ساختار قدرت در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ باز هم بیشتر شد که نشان‌دهنده پذیرش نظام سیاسی جدید از سوی بیشتر جامعه سنی عراق است. در این انتخابات لیست العراقیه تحت رهبری ایاد علاوی، توانست بیشترین کرسی‌ها یعنی ۹۱ کرسی از مجموع ۳۲۵ کرسی را به دست آورد. این لیست که شامل سنی‌ها، شیعیان، سکولارها و بعضی‌های درجه ۲ و ۳ است، نماینده بخش سنی جمعیت عراق محسوب می‌شود و صالح مطلق، رهبر جبهه گفت و گوی ملی و طارق الهاشمی، رهبر لیست تجدد از مهم‌ترین اعضای آن به شمار می‌رود. از میان سایر گروه‌های سنی، جبهه توافق عراق متشکل از احزاب سنی مانند حزب اسلامی و تجمع مردم عراق با

کسب ۶ کرسی و ائتلاف وحدت عراق متشکل از احزاب و شخصیت‌هایی از جمله جواد بولانی، رهبر حزب قانون اساسی و احمد ابوریشه، رهبر شورای بیداری عراق، با ۴ کرسی دستاوردهایی در رقابت‌های انتخاباتی عراق داشتند. گروه‌های سنی عراق در دولت دوم مالکی با عنوان دولت وحدت یا مشارکت ملی نیز شرکت کردند و برخی پست‌های سیاسی از جمله ریاست پارلمان به آن‌ها اختصاص یافت. در مجموع سنی‌های عراق به رغم مخالفت‌های اولیه با روند سیاست دموکراتیک جدید در عراق و حتی مقابله شبه نظامیان سنی با دولت جدید، به تدریج وارد روند سیاسی شدند و به نوعی از دموکراسی توافقی در عراق رضایت داده‌اند. با این حال هنوز نارضایتی‌هایی میان سنی‌ها از شرایط و ساختار سیاسی موجود وجود دارد و به ویژه از رویکرد گروه‌های شیعی حاکم انتقاداتی می‌شود که بی‌تأثیر از کشورهای عربی منطقه مانند عربستان سعودی نیست.

بعد از لیست العراقیه، ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری مالکی با ۸۹ کرسی، توانست دومین ائتلاف پیروز انتخابات پارلمانی عراق باشد. این ائتلاف هر چند یکی از دو ائتلاف منتخب جامعه شیعی است، با این حال شامل برخی از احزاب سنی مانند جبهه ملی نجات انبار نیز می‌باشد و سعی کرده است تا خود را ملی و فرا فرقه‌ای و فرامذهبی نشان دهد. ائتلاف سوم پیروز، ائتلاف ملی عراق است که در برگیرنده احزاب عمده شیعی از جمله مجلس اعلای انقلاب اسلامی به رهبری عمار حکیم، جریان صدر به رهبری مقتدا صدر، حزب فضیلت به رهبری الهاشمی، کنگره ملی عراق به ریاست احد چلبی و جریان اصلاحات به ریاست ابراهیم جعفری توانست در انتخابات ۷۰ کرسی را از آن خود کند. ائتلاف کردستان عراق متشکل از دو حزب دموکرات و اتحادیه میهنی کردستان، با کسب ۴۳ کرسی چهارمین ائتلاف پیروز انتخابات پارلمانی عراق به شمار می‌رود. اما سایر احزاب کردی از جمله حزب گوران یا تغییر به ریاست نوشیروان مصطفی با ۸ کرسی، اتحاد اسلامی کردستان با ۴ کرسی و جماعت اسلامی کردستان با ۲ کرسی، موفقیت‌هایی را کسب کردند. در مجموع احزاب کردی ۵۷ کرسی از ۳۲۵ کرسی مجلس نمایندگان عراق را به دست آوردند. نوری مالکی به نمایندگی از ائتلاف شیعیان و کردها مأمور به تشکیل کابینه گردید و از میان وزارت‌خانه‌های دولت جدید ۱۷ وزارت‌خانه به شیعیان، ۹ وزارت‌خانه به فهرست العراقیه، ۸ وزارت‌خانه به ائتلاف کردستان و دیگر احزاب رسید (سیلاوی، ۱۳۹۳: ۳).

نتایج انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۱۰ نشان دهنده این است که علایق و تمایلات رأی دهندگان عراقی کماکان بر مبانی فرقه‌ای و قومی است. بدین معنی که دو ائتلاف عمدتاً شیعی دولت قانون و ائتلاف ملی عراق از استان‌ها و مناطق شیعی، لیست العراقیه با بدنه احزاب سنی از مناطق سنی‌نشین و احزاب کردی از مناطق کردنشین رأی کسب کرده‌اند. بر این اساس می‌توان عنوان کرد که اولین ویژگی انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ تداوم جنبش ائتلاف‌ها بر اساس شکاف‌های قومی - فرقه‌ای و تناسب میزان قدرت و جایگاه گروه‌ها با میزان جمعیت‌های سه گانه شیعی، سنی و کُرد است. در این راستا، مجموع دو ائتلاف شیعی قانون و ائتلاف ملی عراق اندکی کمتر از نیمی از کرسی‌های پارلمان را به خود اختصاص داده‌اند و با ائتلاف و هماهنگی با یکدیگر توانستند نخست وزیر و بدنه اصلی دولت را تعیین نمایند (سیلاوی، ۱۳۹۳: ۳).

در انتخابات ۳۰ آوریل سال ۲۰۱۴ نیز سه جریان و ائتلاف اصلی شیعیان یعنی ائتلاف الاحرار (جریان صدر) نزدیک به صدر ۲۸ کرسی، ائتلاف المواطن با محوریت حزب مجلس اعلای اسلامی و به رهبری عمار حکیم ۲۹ کرسی و سرانجام ائتلاف دولت قانون که نوری مالکی از حزب الدعوه اسلامی عهده‌دار رهبری آن است ۹۲ کرسی را به دست آوردند. هم‌چنین مهمترین پست نظام سیاسی عراق، یعنی نخست وزیر (آیاد علاوی، ابراهیم جعفری، نوری مالکی و حیدر عبادی) و نیز بیشترین تعداد وزارتخانه‌ها در ساختار سیاسی نوین همگی از شیعیان عراق بوده‌اند. در این انتخابات اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی ۱۹ کرسی، حزب دموکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی ۱۹ کرسی، اتحاد اسلامی کردستان به رهبری محمد فرج ۴ کرسی، جماعت اسلامی به رهبری علی باپیر ۳ کرسی، حزب تغییر (گوران) به رهبری نوشیروان مصطفی ۹ کرسی و فهرست السلام کردستان ۲ کرسی را به دست آوردند. برای گروه‌های کُرد، به خصوص ائتلاف کردستان، هر گونه طراحی برای ائتلاف و همکاری با سایر گروه‌ها در عرصه سیاسی و تشکیل دولت، به چگونگی برآورده شدن و تأمین خواسته‌ها و منافع کُردی بستگی دارد. اصل بنیادین در ائتلاف‌ها برای گروه‌های کُرد، کسب حداکثر امتیاز و پیشبرد منافع و آرمان‌های کُردی است که آن‌ها را در قالب قانون اساسی و دموکراسی مطرح می‌کنند. از جمله این منافع، فدرالیسم و خودمختاری کُردی، تقویت نیروهای پیشمرگه، الحاق مناطق کردی مانند کرکوک به اقلیم کردستان و کسب مناصب سیاسی مانند پست ریاست جمهوری است. با توجه به مخالفت اساسی گروه‌های سنی و ملی‌گرای عراقیه با فدرالیسم و هویت متکثر عراق از یک سو و در

اکثریت بودن گروه‌های شیعی و احتمال بیشتر تشکیل دولت از سوی آن‌ها، به نظر می‌رسد گردها برای ائتلاف و همکاری با فراکسیون شیعی تمایل و آمادگی بیشتری دارند (اسدی، ۱۳۸۹: ۱۸). جدول زیر سهم هر یک از گروه‌ها، احزاب و جریان‌های سیاسی عراق در انتخابات پارلمانی سه دوره گذشته را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱: سهم گروه‌ها و احزاب سیاسی در دوره‌های مختلف انتخابات پارلمانی در

ساختار سیاسی عراق نوین

ائتلاف‌ها و سهم آن‌ها از کرسی‌ها	تعداد کرسی‌ها	انتخابات پارلمانی
ائتلاف ملی عراق ۱۲۸ کرسی، ائتلاف دموکراتیک میهنی کردستان ۵۳ کرسی، اتحاد اسلامی کردستان ۵ کرسی، جبهه توافق عراق (شامل گروه‌های سنی حزب اسلامی عراق، تجمع مردم عراق، شورای گفتگوی ملی عراق) ۵۵ کرسی، ائتلاف میهنی عراق ۲۵ کرسی، احزاب و شخصیت‌های دیگر ۹ کرسی	۲۷۵	اولین دوره انتخابات پارلمانی (۱۵ دسامبر ۲۰۰۵)
ائتلاف العراقیه (متشکل از اعراب سکولار شیعه و سنی) ۹۱ کرسی، ائتلاف دولت قانون ۸۹ کرسی، ائتلاف ملی عراق ۷۰ کرسی، اتحاد کردستان ۴۳ کرسی، حزب گوران ۸ کرسی، جبهه توافق ۶ کرسی، وحدت عراق ۴ کرسی، اتحاد اسلامی کردی ۴ کرسی، جامعه اسلامی کردی ۲ کرسی، اقلیت‌ها ۸ کرسی	۳۲۵	دومین دوره انتخابات پارلمانی (۷ مارس ۲۰۱۰)
ائتلاف دولت قانون به ریاست نوری مالکی، ۹۲ کرسی، فراکسیون مواطن (شهروند) به رهبری عمار حکیم، ۲۹ کرسی، فراکسیون الاحرار وابسته به جریان صدر، ۲۸ کرسی، فهرست متحدون به رهبری اسامه نجیفی، ۲۳ کرسی، ائتلاف الوطنیه، به رهبری ایاد علاوی، ۲۱ کرسی، حزب دموکرات کردستان، به رهبری مسعود بارزانی، ۱۹ کرسی، حزب اتحادیه میهنی کردستان، به رهبری جلال طالبانی، ۱۹ کرسی، ائتلاف العربیه، به رهبری صالح مطلق ۱۰ کرسی، حزب کُرد تغییر(گوران) به رهبری نوشیروان مصطفی ۹ کرسی، ائتلاف اصلاح وطنی، به رهبری ابراهیم جعفری ۶ کرسی، همپیمانی کردستانی در نینوی، ۶ کرسی، ائتلاف الفضیله، ۶ کرسی، ائتلاف دیاله هویتنا، ۵ کرسی، ائتلاف العراق، ۵ کرسی، اتحاد		سومین دوره

اسلامی کردستان، ۴ کرسی جماعت اسلامی، ۳ کرسی، جریان النخب وابسته به جریان صدر، ۳ کرسی، ائتلاف مدنی دموکراتیک، ۳ کرسی، تجمع شراکت ملی، ۳ کرسی، ائتلاف نینوی وطنم، ۳ کرسی، ائتلاف وفا به الانبار، ۳ کرسی، جبهه ترکان کرکوک، ۲ کرسی، ائتلاف وفای عراق، ۲ کرسی، تجمع الکفائت والجماهیر، ۲ کرسی، فهرست السلام کردستان، ۲ کرسی، شورای ملی کلدانی سریانی آشوری، ۲ کرسی، فهرست وحدت فرزندان عراق، ۲ کرسی، فهرست رافدین، ۲ کرسی، ائتلاف صلاح الدین وطنم، ۱ کرسی، ائتلاف بدیل وطن مستقل من، ۱ کرسی، ائتلاف اعراب کرکوک، ۱ کرسی، فهرست کرامه، ۱ کرسی، فراکسیون الصادقون، ۱ کرسی، جریان دولت عادل، ۱ کرسی، حزب الدعوه الاسلامی / شاخه درونی، ۱ کرسی، ائتلاف ملی صلاح الدین، ۱ کرسی، فهرست همبستگی عراق، ۱ کرسی، ائتلاف اخلاص، ۱ کرسی، جنبش ایزدی‌ها، ۱ کرسی فهرست ورکا دموکراتیک، ۱ کرسی، حارث شنشل سنید الحارثی، ۱ کرسی، شورای آزادگان الشبک، ۱ کرسی	۳۲۸	انتخابات پارلمانی (۳۰ آوریل ۲۰۱۴)
--	-----	--------------------------------------

گردآوری: نگارنده

به طور کلی می‌توان گفت شیعیان در دوران حکومت انتقالی، دولت موقت، تشکیل پارلمان، تصویب قانون اساسی و مقابله با بحران‌های داخلی پس از سقوط صدام توانستند عملکرد مثبتی از خود نشان دهند (Chew, 2011: 19).

۷. مواضع مثلث قدرت عراق در برابر سیستم سیاسی فدرالیسم

با توجه به شکاف‌های اجتماعی قومی و مذهبی در عراق از دیدگاه برخی سیستم سیاسی فدرالیسم موثرترین شیوه برای حل این مشکل می‌باشد. در این راستا دیاموند (Diamond). مشاور دموکراسی در حکومت ائتلافی، بر این نظر بود که فدرالیسم برای جامعه چندپاره یا چندشکافی عراق یک ضرورت است (Fitzsimmons, 2009: 146). در مقابل عده‌ای دیگر فدرالیسم را مقدمه تجزیه عراق می‌دانند و با آن مخالف هستند. با این حال علیرغم کشمکش‌های فراوان این اصل در قانون اساسی عراق گنجانده شد و نظام حکومتی در این کشور جمهوری پارلمانی

دمکراتیک و فدرالی نام گرفت. این مسئله باعث جهت‌گیری‌ها و واکنش‌های متفاوتی از سوی بازیگران داخلی عراق گردید.

۱. مواضع کردها: در بین گروه‌بندی‌های قومی و مذهبی عراق، کردها جدی‌ترین مدافع فدرالیسم بودند و آن را به عنوان امیدبخش‌ترین مبنا برای صلح و آینده دموکراسی در عراق می‌دانستند؛ مهمترین دلایل آن‌ها عبارت بودند از: (۱) رهایی از استیلای انحصاری عرب‌های سنی مذهب بر کردها در یک سده گذشته و زدودن خاطرات تلخ گذشته (۲) تمرکز جمعیتی کردها در شمال کشور (۳) وجود منابع غنی نفتی در کرکوک (۴) افزایش اعتبار و وزن سیاسی کردها با تشکیل حکومت منطقه‌ای در اقلیم کردستان. به همین دلایل بود که ۹۸ درصد کردها در همه‌پرسی پیش نویس قانون اساسی در ژانویه ۲۰۰۵، به خودمختاری در قالب حکومت منطقه‌ای رأی مثبت دادند (سردارنیا و زارع مهرآبادی، ۱۳۹۴: ۱۸۰). به رغم دیدگاه‌های متفاوت و داشتن مرزبندی‌هایی بنام احزاب اپوزیسیون و حاکم در این منطقه و اختلافات نظری که در زمینه‌های مختلف وجود دارد اما بر سر مساله فدرالیسم می‌توان گفت تمامی گروه‌های گرد اعم از سکولار و اسلام‌گرا وحدت نظر داشته و حامی آن هستند. اما نکته قابل توجه دیگر در قبال کردها و مواضع آنها در خصوص فدرالیسم به محدوده و حیطه قدرت حکومت‌های فدرال باز می‌گردد کردها رسماً خواهان اختیارات بیشتری نسبت به آنچه که در سیستمهای فدرالی در سراسر دنیا مرسوم است هستند و در عملاً هم در طول سالیان اخیر این‌گونه بوده‌اند. به طور مثال کردها دارای دستگاه قضایی مستقل، نیروهای نظامی نسبتاً مستقل، روابط خارجی خاص هستند و حتی اقدام به انعقاد معاهدات بین المللی بدون هماهنگی با دولت کرده‌اند (پشنگ، ۱۳۹۰).

می‌توان گفت کردها، فدرالیسم را گامی مهم و اولیه به سوی استقلال و نیل به تشکیل کشور مستقل کردستان می‌دانند و در این راستا به دنبال اختیاراتی مضاعف در دولت مرکزی هستند تا به رویای دیرینه خود دست یازند.

۲. مواضع شیعیان: شیعیان وضعیت بینابینی داشتند، یعنی دموکراسی اکثریتی و فدرالیسم هر دو می‌توانست برای آن‌ها سودمند باشد. شیعیان از یک طرف به دلیل جمعیت بالا (نزدیک به ۶۰ درصد) می‌توانند از قاعده دموکراسی اکثریتی (غیرفدرالی) سود ببرند؛ از سوی دیگر به دلایلی مانند تمرکز جمعیتی آن‌ها در جنوب و وجود منابع غنی نفتی در استان‌های شیعه‌نشین، فدرالیسم نیز می‌توانست برای آن‌ها سودمند باشد. در مجموع، آن‌ها به اندازه کردها از گنجانده شدن فدرالیسم در پیش نویس قانون اساسی عراق دفاع

نکردند (سردارنیا، ۱۳۹۲: ۷۶). البته لازم به ذکر است که علاوه بر عرب‌های سنی، در بین شیعیان نیز گروه‌هایی مانند مقتدی صدر، برخی از اعضای حزب الدعوة و حزب فضیلت نیز با فدرالیسم مخالف بودند (احمدی و حائری، ۱۳۸۹: ۲۹). علاوه بر آن مرجع عالیقدر شیعیان عراق، آیت الله سیستانی نیز با این امر موافقت نکردند.

شیعیان در دوره پسااصدام با توجه به اکثریت جمعیتی و حضور در رأس هرم قدرت سیاسی، برخلاف خواستار حاکمیت مشارکتی بر سراسر عراق به عنوان یک کیان سیاسی یکپارچه بوده‌اند و هیچ‌گاه جغرافیا یا طایفه شیعی به عنوان هدف حاکمیتی برای آن‌ها مدنظر نبوده است و نه مدافع اصلی فدرالیسم بوده‌اند و نه مخالف سرسخت آن.

۳. مواضع سنی‌ها: در بین بازیگران داخلی عراق، عرب‌های سنی مخالفین سرسخت فدرالیسم بودند؛ آن‌ها در مورد فدرالیسم تردید داشته و هدف آن را عمدتاً تضعیف و به حاشیه راندن خود می‌دانند، زیرا منابع نفتی عمدتاً در مناطق شیعه و کُردنشین واقع شده است. آن‌ها معتقدند که ایده فدرالیسم خیانت ضمنی به جامعه عراق است. با وجود همه این شرایط و برای عقب‌نماندن از قافله تحولات، بیشتر گروه‌های عرب سنی با اتخاذ رویکرد واقع‌بینانه در روندهای سیاسی مشارکت می‌کنند. هم‌چنین، توجه به این نکته مهم است که اهل سنت پان‌عربیست می‌خواهند این نگرش‌شان را همراه با جاه‌طلبی‌شان برای اعاده قدرت بیشتر در بغداد در خود جای دهند که ممکن است مستلزم جانب‌داری از گُردها به منظور کاهش وزن سیاسی شیعیان باشد. یکی دیگر از مهمترین نقاط نگرانی اعراب سنی، نحوه توزیع درآمدهای نفتی است. برای مثال سنی‌های استان انبار پیرامون توزیع درآمدهای نفتی به دلیل کمبود ذخایر نفتی اثبات شده در مقایسه با سایر مناطق دارای نگرانی‌هایی هستند. نفت قلب اقتصاد عراق است، بنابراین حل مسئله توزیع درآمد، نکته کلیدی برای پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز سیستم فدرال حکومت در عراق است (دهنوی و تاج‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۷۴). می‌توان بارزترین موضع اعراب سنی را در رابطه با مقوله فدرالیسم در کلام می‌ش‌الجبوری به عنوان یکی از رهبران سنی دید که به تلویزیون الجزیره گفت: خودمختاری باعث جنگ داخلی خواهد شد، ما هرگز اجازه عملی شدن آن را نخواهیم داد (Georgy & Bakerfri, 2005).

به طور کلی مهمترین دلایل مخالفت آن‌ها با فدرالیسم عبارت بودند از: (۱) به لحاظ سیاسی، برپایی فدرالیسم در جنوب عراق و احیای فرهنگ شیعی، نه تنها جایگاه این مذهب و فرهنگ را در این کشور ارتقاء خواهد داد، بلکه در آینده‌ای نزدیک برای

خاورمیانه نیز پیامدهای منفی گسترده‌ای خواهد داشت. شکل‌گیری منطقه فدرال شیعه زمینه ساز تحقق یک ائتلاف بزرگ میان جوامع شیعی در جغرافیای سیاسی خاورمیانه می‌شود و موازنه قدرت را به ضرر جوامع سنی مذهب تغییر خواهد داد. ۲) اقلیت سنی بر این باورند که فدرالیسم به واسطه برجسته نمودن خصیصه قوم مداری و تضعیف اصالت ناسیونالیسم عراقی، زمینه ساز تجزیه عراق در آینده خواهد شد (Byman, 2003: 58). تمرکز بخش اعظم منابع نفتی و ثروت در مناطق شمالی و جنوبی عراق، دلیل دیگر مخالفت اعراب سنی با فدرالیسم بود (حاجی و افتخاری، ۱۳۸۶: ۹۴).

بعد از شکل‌گیری نظام سیاسی جدید در عراق و قدرت گرفتن شیعیان، جریان سنی حاکمیت دموکراتیک جدید را نفی نموده و به گونه‌های مختلف تلاش نمودند تا مانع از تثبیت حاکمیت نوین در عراق شوند. در این راستا بود که برخی گروه‌های سنی علاوه بر مخالفت با حاکمیت دولت مرکزی در مناطق سنی، به ایجاد ناامنی در مناطق شیعی نیز مبادرت کردند و از جریان داعش نیز تا حدودی طرفداری و استقبال نمودند.

۸. نتیجه‌گیری

از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، کشور عراق دارای شکاف‌های مختلف قومی - مذهبی است، اما شکل‌بندی اصلی ساختار اجتماعی حول دو شکاف عمده است: نخست شکاف قومی که عراقی‌ها را به عرب و کُرد تقسیم می‌کند. دوم شکاف‌های مذهبی که مسلمانان این کشور را به شیعه و سنی تقسیم می‌کند. بر اساس این دو شکاف عمده، مثلث قدرت سیاسی در عراق نوین شامل سه گروه قومی و فرقه اصلی است: کُردها که بیشتر سنی مذهب هستند و تعداد کمی از آن‌ها یعنی کُردهای فیلی شیعه مذهب هستند، اعراب سنی و اعراب شیعی. البته علاوه بر این سه گروه اصلی، گروه‌های قومی - فرقه‌ای دیگری از جمله ترکمن‌ها، آشوری‌ها، کلدانی‌ها و یزیدی‌ها نیز در عراق زندگی می‌کنند که سه گروه اول در ساختار سیاسی عراق نوین نقش اساسی ایفا می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت کشور عراق در یک دوره گذار سیر می‌کند دوره‌ای که گروه‌های مختلف سیاسی از مذاهب و قومیت‌های مختلف هر یک با توجه به وزن سیاسی و جایگاه و پایگاه مردمی‌شان خواهان در دست گرفتن شریان اصلی قدرت در دستان خود هستند این امر باعث شده تا در کنار فقدان اجماع گروه‌ها بر سر یک هویت ملی یکپارچه و فراگیر، ابعاد واگرایانه و منازعه‌آمیز را در این کشور تشدید کند.

منابع

- آدمی، علی و حوا ابراهیمی پور (۱۳۹۳). «جایگاه شیعیان در ساختار سیاسی جدید عراق»، *فصلنامه شیعه شناسی*، شماره ۴۶، صص ۱۴۰-۱۰۷.
- آلیس، هادی (۱۳۸۶). *خواسته کردها برای تشکیل دولت و آینده عراق*، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی و معصومه انتظام، چاپ شده در مجموعه مقالات سامان سیاسی در عراق جدید، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- احمدی، فرج الله و یاسر قزوینی حائری (۱۳۸۹). «فرایند تدوین قانون اساسی عراق»، *فصلنامه سیاست*، شماره ۱۴، صص ۳۸-۱۹.
- اسدی، علی اکبر (۱۳۸۶). «شیعیان و اسلام گرایی در عراق پس از صدام؛ جریان ها و رویکردها»، *مجموعه مقالات خاورمیانه (۸) ویژه اسلام گرایی و بیداری اسلامی*، ابرار معاصر تهران.
- اسدی، علی اکبر (۱۳۸۹). *انتخابات پارلمانی و توازن سیاسی نوین در عراق*، گزارش راهبردی ۳۰۹، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- باقری، حسین (۱۳۹۲). «بازیگران داخلی در ساختار سیاسی عراق نوین و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه آفاق امنیت*، شماره نوزدهم، ۱۶۵-۱۳۵.
- بخشی، امیررضا (۱۳۹۰). *جریان شناسی سیاسی شیعیان عراق نوین*، قابل دسترسی در سایت: <http://afkarenow.ir/2011/12/29/%D8%AC%D8%B1%>
- پشنگ، اردشیر (۱۳۹۰). *جنگ سرد رهبران عراقی بر سر فدرالیسم*، قابل دسترسی در سایت: <http://ardeshir58.persianblog.ir/post/420>
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۹). «برآورد استراتژیک عراق آینده»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۴۷، صص ۲۱۲-۱۷۷.
- تقی زاده، معصومه (۱۳۸۸). *موانع تثبیت فدرالیسم در عراق*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- تلاشان، حسن (۱۳۸۹). «دورنمای ژئوپلتیک شیعه در عراق»، *فصلنامه شیعه شناسی*، شماره ۳۱، صص ۱۲۸-۱۰۹.
- جوانمردی، عبدالسلام (۱۳۹۲). *نقش آمریکا و اسرائیل در تحولات سیاسی و امنیتی کردستان عراق (۱۹۹۰-۲۰۱۰)*، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- حاجی، علی اصغر و اصغر افتخاری (۱۳۸۶). «مزیت های امنیتی و ارتباطی دو کشور ایران و عراق از نگاه قانون اساسی جدید»، *مجله نگرش راهبردی*، شماره ۸۳-۸۴، صص ۱۰۸-۸۹.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). «تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۸۳، صص ۳۶-۵.
- دکمجیان، هرایر (۱۳۷۷). *جنبش های اسلامی در جهان عرب*، ترجمه حمید احمدی، تهران: کیهان.

- دهقانی پوده، حمیدرضا (۱۳۹۲). عراق، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- دهنوی، مهدی و حسین تاج‌آبادی (۱۳۹۳). «فدرالیسم عراق و امنیت ملی ایران؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۱۸، صص ۱۵۳-۱۸۸.
- رشید، غلامعلی (۱۳۸۶). نقش عوامل ژئوپلیتیک در راهبرد دفاعی (مطالعه موردی؛ ایران نسبت به عراق)، رساله دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- رضایی، مانده (۱۳۸۴). «حقوق سیاسی زنان در کشورهای اسلامی»، *فصلنامه تخصصی بانوان شیعه*، شماره ۶ و ۷.
- سردارنیا، خلیل‌الله و محمد زارع مهرآبادی (۱۳۹۴). «فدرالیسم و فرهنگ سیاسی در عراق»، *فصلنامه روابط خارجی*، شماره ۲۴، صص ۱۶۹-۱۹۰.
- سیلاوی، حمید (۱۳۹۳). انتخابات مجلس عراق، نتایج و پیامدها، قابل دسترسی در سایت:
<http://shooshan.ir/fa/news/18456/%D8%A7%D9%86%D8%AA%D8%AE%D8%A7%D8%A8%D8%A7%D8%AA-%D9%85%D8%AC%D9%84%D8%B3>
- طاهری کل کشوندی، مسلم و محمود تقی زاده داوری (۱۳۹۳). «رویکرد جریان‌های شیعی عراق به تحولات نوین کشور»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، شماره ۴۸، صص ۱۲۷-۱۴۸.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۹). «بازیگران موثر بر عراق آینده: منافع و سناریوها»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۱، صص ۳۷-۵۸.
- کاوایانی، مراد (۱۳۸۷). «تحلیل ژئوپلیتیکی تحولات کردستان عراق»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، شماره ۲۰، صص ۸۱-۱۰۶.
- کندال، شریف وانلی، عصمت و مصطفی نازدار (۱۳۷۲). کردها، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: روزبهان.
- لطیف، حسن (۱۳۹۰). *دایرةالمعارف احزاب در عراق*، ترجمه سیدعدنان محقق، تهران: دانشگاه امام صادق.
- مار، فب (۱۳۸۰). تاریخ نوین عراق، ترجمه محمد عباسپور، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- نیکتین، واسیلی (۱۳۶۶). کرد و کردستان، ترجمه محمد قاضی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- ویستا (۱۳۹۵). بررسی جریان‌های سیاسی مذهبی در عراق، قابل دسترسی در سایت:
<http://vista.ir/article/267557/%D8%A8%D8%B1%>

Byman, D (2003). "Constructing a Democratic Iraq", *International Security*, 28(1).

Chew, K (2011). Middle East: Protests in Egypt, Syria, Yemen, in www.care2.com

Elazar, D (1987). *Federalism and Nationalism*, Leicester, Leicester University Press.

- Fitzsimmons, M. F (2009), Governance, Identity and Counter – instersurgency strategies, Ph.D Dissertation in policy sciences, University of Maryland.
- Forsyth, M (1989). Federalism and Nationalism, (Leicester: Leicester University Press.
- Georgy, M & Bakerfri, I (2005). “Iraq Security Chief Warns of Civil War Over Federalism”, available online at: <http://www.uk.reuters.com>.
- Kincaid, J (2002). Hand Book of Federal Countries, A Project of Federation, Ed. by Ann L. Griffith, New York: McGill Queens University Press.
- Smith, G (1995). Federalism the Multiethnic Challenge, London, Longman.

